

## ناهمخوانی هزینه ها با درآمدها در سبد خانوارها

مسئولان اقتصادی خط فقر را ۱۱ میلیون تومان اعلام کرده‌اند این در حالی است که مسکن سهمی ۷۰ درصدی از هزینه خانوارها را به خود اختصاص می‌دهد و تقریباً با نرخ سبد غذایی برابری می‌کند. بر اساس آمارها حداقل نرخ سبد غذا ۸ میلیون تومان اعلام شده است.

به گزارش سایت خبری پرسون، براساس آمار بانک مرکزی و به گفته رئیس کمیته امداد، نرخ خط فقر ۱۱ میلیون تومان برای خانوار چهارنفره تعیین شده همچنین حداقل نرخ سبد غذایی خانوار بنا به اعلام شورای عالی کار ۸ میلیون و ۹۷۹ هزار تومان اعلام شده است، این در حالی است که بنا به گفته رئیس مرکز پژوهش‌های مجلس سهم هزینه‌های مسکن در سبد خانوارهای شهری بین ۶۰ تا ۷۰ درصد است که با احتساب سرانگشتی خانواری که ۱۱ میلیون درآمد دارد باید به طور متوسط ۶ تا ۷ میلیون از درآمد خود را صرف هزینه مسکن کند و مابقی چیزی نمی‌ماند که به مصرف مایحتاج خانوار برسد و مساله اصلی اینجاست که خانواده‌ها چگونه باید نیازهای ضروری خود را تامین کنند؟ گذشته از آن طبق آمار معاونت رفاه اجتماعی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی سال گذشته ۲۶ میلیون نفر از جمعیت کشور زیر فقر زندگی می‌کردند و اگر میانگین ۳/۲۴ را برای هر خانوار در نظر بگیریم حدود ۱۰ میلیون خانوار زیر خط فقر زندگی می‌کنند که متأسفانه حامل پیام مهمی برای مسئولان است، اول آنکه قشر متوسط جامعه در حال از بین رفتن است، دوم اینکه شکاف بین طبقه فقیر و غنی هر روز گسترده‌تر می‌شود و این مساله جدا از آسیب‌های اقتصادی پیامدهای اجتماعی بسیاری دارد.

رشد فقر

طبق نتایج تحقیقات جواد صالحی اصفهانی، استاد اقتصاد دانشگاه ویرجینیاتک در دهه ۹۰ تعداد فقرای ایران دو برابر شده و چهار میلیون نفر دیگر نیز به زیر خط فقر بین‌المللی (۵/۵ دلار در روز) سقوط کرده‌اند. حدود هشت میلیون نفر هم از طبقه «متوسط» به طبقه «متوسط رو به پایین» رفتند و این بررسی نشان می‌دهد تعداد افراد فقیر از سال ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۹ حدود دو برابر شده است. در این مدت، چهار میلیون نفر به تعداد فقرا افزوده شده و خط فقر از ۴/۶ درصد به بیش از ۱۲ درصد رسیده است که همه اینها حاکی از آن است که وضعیت تحریم‌ها در کنار تورم موجب

کاهش سطح رفاه شده است همچنین میزان مخارج سرانه که نشانه‌ای از وضعیت رفاه خانوار است، از سال ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۹ حدود ۱۸ درصد کاهش داشته و به سطح ۲۰۰۲ بازگشته است.

تورم را افزایش حقوق کارگران ایجاد نمی‌کند

کامبیز لعل، کارشناس بیمه‌های تامین اجتماعی در خصوص به زیر خط فقر رفتن خانواده‌ها گفت: حداقل دستمزد حدود ۵/۵ میلیون تومان است و تقریباً براساس آمار تامین اجتماعی متوسط نرخ درآمدی که حق بیمه از آنها کسر می‌شود ۵/۵ برابر حداقل دستمزد است این بدان معنی است که حدود ۷/۵ تا ۸ میلیون متوسط درآمد جامعه کارگری در بخشی که کارگر رسمی است و حق بیمه می‌دهد ۸ میلیون تومان است و با سایر مزایا نهایتاً به ۱۰ میلیون می‌رسد که متوسط درآمد جامعه کارگری است بنابراین می‌توان گفت که قشر کارگری زیر خط فقر زندگی می‌کنند بنابراین اگر مجبور باشند ۷۰ درصد درآمد خود را بابت هزینه مسکن پرداخت کنند در مضیقه شدید مالی قرار می‌گیرند و قادر نخواهند بود مایحتاج اصلی زندگی و سایر نیازهای خود را تامین کنند که در نتیجه این عامل باعث افزایش حاشیه نشینی و کوچ به حاشیه شهرها می‌شود که همین امر پیامدهای اجتماعی خاص خود را دارد.

این کارشناس اقتصادی در ادامه افزود: افزایش فقر کیفیت زندگی را تحت تاثیر قرار می‌دهد و مصرف کالاهای فرهنگی، بهداشت و درمان و سلامت را کاهش می‌دهد، چراکه خانوارها مجبورند اول سرپناه و سلامت را تامین کنند و این مساله ابعاد اقتصادی زیادی دارد از جمله آنکه قدرت خرید مردم و تقاضای موثر را کاهش داده و رکود موجود را تشدید می‌کند و به تبع تشدید رکود کالاها یا قابل مصرف نیستند و یا تقاضا بسیار نزولی می‌شود و به دنبال آن شرکت‌های بیشتری از تولید خارج می‌شوند و بیکاری هر روز بیشتر می‌شود.

لعل بیان کرد: برخی به اشتباه تصور می‌کنند که افزایش درآمد کارگران موجب رشد نقدینگی و تورم در جامعه خواهد بود این در حالی است که این تفکر منطقی نیست، چراکه عامل اصلی تورم سیاست‌های غلط پولی و مالی دولت‌هاست نه افزایش دستمزد کارگران و آنچه جامعه ما دچار آن است رکود تورمی است. اگر قدرت خرید مردم افزایش یابد و حقوق‌ها افزایش یابد علاوه بر تامین هزینه مسکن، خوراک، پوشاک، بهداشت و درمان و تفریحات باعث ایجاد رونق اقتصادی نیز می‌شود بنابراین به طور قطع می‌توان گفت که اتفاقاً براساس ادعای افزایش حقوق تورم ایجاد نمی‌کند و تورم باعث کاهش قدرت خرید مردم و به دنبال آن رکود در اقتصاد می‌شود پس تورم سیاست‌هایی چون چاپ پول بدون پشتوانه و اجازه به بانک‌های خصوصی برای ایجاد پول و شبه پول ایجاد می‌کنند.

کامبیز لعل معتقد است: هیچ کدام از تحقیقات علمی و مطالعات تجربی ریشه تورم را در رشد دستمزدها ندانسته‌اند و به این نتیجه نرسیده‌اند که افزایش حقوق‌ها باعث ایجاد تورم در جامعه می‌شود اتفاقاً کاهش دستمزدها شکاف فقیر و غنی را زیادتر می‌کند و چرخه فقرزدایی را تشدید می‌کند.

## جهت‌گیری‌های مالیاتی را زیر ذره‌بین قرار دهید

فرشاد مومنی عضو هیات علمی دانشگاه علامه در این خصوص گفت: گزارش‌های رسمی می‌گویند در دهه ۹۰ به‌خاطر شوک‌های قیمتی میزان مصرف گوشت در طبقات کم درآمد ۶۰ درصد سقوط کرده و میزان مصرف لبنیات، ۳۵ درصد سقوط کرده است. دقت داشته باشید که در سال ۱۳۹۰ کل خانوارهای زیر خط فقر حدود ۷.۳ میلیون نفر بوده است اما در سال ۱۳۹۸ از ۸.۷ میلیون عبور کرده و در از ۱۳۹۹ تا کنون در آستانه ۱۰ میلیون خانوار و فراتر از آن قرار گرفته است همچنین باید به این توجه داشته باشیم که در همین چندماهه اخیر که ارزش ترجیحی شکر و برنج وارداتی برداشته شد، قیمت این کالاها بیش از سه برابر رشد کرده است.

این اقتصاددان معتقد است: من از نمایندگان مجلس تقاضا می‌کنم به‌طور جدی جهت‌گیری‌های مالیاتی لایحه بودجه ۱۴۰۱ را زیر ذره بین قرار دهند. سهم مالیات بر ثروتمندان، از کل مالیات دریافتی دولت کمتر از ۱۰ درصد است درحالی‌که تولیدکنندگان صنعتی ما چیزی حدود ۳۵ درصد درآمدهای مالیاتی دولت را تامین می‌کنند. وقتی شما هزینه فرصت تولید را بالا می‌برید معلوم است که انگیزه‌ها کاهش می‌یابد. شکنندگی و آسیب‌پذیری تولیدکنندگان کشور به یک آستانه نگران‌کننده رسیده است به همین جهت عاجزانه تقاضا می‌کنیم که عزیزان آنچه که در دولت‌های قبلی آزموده شد را دستور کار قرار ندهند و سیاست‌گذاران باید پاسخ دهند که آیا یادشان رفته در سال‌های ۹۷ و ۹۸ که جهش‌های نرخ ارز تدارک دیده شده با چه میزانی از خروج سرمایه مادی و انسانی مواجه شدیم؟

استاد دانشگاه شریف می‌گوید تمایل به خروج در بین دانشگاهیان بعد از شوک‌های ارزی افزایش یافت. توصیه ما این است که با هر نوع سیاست بی‌ثبات‌کننده اقتصادکلان از قبیل شوک قیمتی و نرخ بهره شوخی نکنید، چراکه این‌ها در اقتصاد به عنوان قیمت کلیدی تعبیر می‌شوند.

منبع: روزنامه آرمان ملی